

هویت عامل حمله به کنیسه منچستر مشخص شد

پلیس انگلیس هویت فردی را که باحمله به یک کنیسه در منچستر چند نفر را به قتل رساند اعلام کرد. پلیس بریتانیا پنجشنبه گذشته اعلام کرد حمله مرگبار به کنیسه «هیتون پارک هبری» در منطقه کرومسال منچستر که ۳ کشته و ۴ مجروح برجا گذاشت، یک «حادثه تروریستی» بوده است.این حمله در روز یوم کیپور، مقدس‌ترین روز تقویم یهودیان رخ داد و مهاجم که توسط پلیس کشته شد به عنوان جهاد الشامی، ۳۵ ساله و شهروند بریتانیایی سوری‌تبار شناسایی شد. بر اساس گزارش پلیس منچستر، حمله کمی پس از ساعت ۹:۳۰ صبح به وقت محلی آغاز شد. یک شاهد عینی گزارش داد خودرویی به سمت علیران پیاده هجوم برد و یک مرد با چاقو مورد حمله قرار گرفت.دقایقی بعد، مأموران مسلح مهاجم را که دستگاهی شبیه به جلیقه انفجاری بر تن داشت، به ضرب گلوله از پا درآوردند. پلیس بعداً تأیید کرد این دستگاه «غیرفعال» بوده و خطری نداشته است. ۴ نفر از قربانیان که از ناحیه برخورد خودرو و ضربات چاقو مجروح شده بودند، توسط امدادگران تحت درمان قرار گرفتند. پلیس همچنین اعلام کرد ۲ نفر؛ ۲۰ مرد و یک زن به نام «لر تکاب، آماده‌سازی و تحریک اقدامات تروریستی» بازداشت شده‌اند. تحقیقات برای روشن شدن انگیزه‌های حمله ادامه دارد.

هزینه مالی آمریکا برای خلع سلاح حزب‌الله

رویترز دیروز (جمعه) به نقل از منابعی در واشنگتن و بیروت گزارش داد دولت آمریکا به منظور تالاش برای خلع سلاح حزب‌الله، تصمیم گرفته ۲۳۰ میلیون دلار کمک مالی به ارتش و نیروهای امنیتی لبنان اختصاص دهد.

یک منبع آگاه لبنانی به رویترز خبر داد از این مبلغ ۱۹۰ میلیون دلار برای ارتش و ۴۰ میلیون دلار برای نیروهای امنیت داخلی لبنان اختصاص یافته است. این منبع که اشارای به نامش نشده، گفت این بودجه به نیروهای امنیتی لبنان امکان می‌دهد مسؤولیت حفظ امنیت داخلی کشور را بر عهده بگیرند تا ارتش لبنان بتواند روی «مأموریت‌های حمایت از نیروهای لبنانی یاد کرد و گفت: «این نیروها تلاش می‌کنند حمایت را در سراسر لبنان حفظ کرده و اجرای به رویترز گفت: «برای کشوری کوچک مثل لبنان، این رقم اهمیت زیادی دارد». سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز از تلاش این کشور برای خلع سلاح حزب‌الله با عنوان حمایت از نیروهای لبنانی یاد کرد و گفت: «این نیروها تلاش می‌کنند حاکمیت را در سراسر لبنان حفظ کرده و اجرای کامل قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل را تضمین کنند». قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل که پس از جنگ جولای ۲۰۰۶ میان اسرائیل و حزب‌الله تصویب شد، به عنوان تنها چارچوب بین‌المللی برای حفظ امنیت جنوب لبنان و جلوگیری از تشدید تنش‌ها بین لبنان و اسرائیل عمل می‌کند. این کمک مالی در حالی به ارتش لبنان اختصاص می‌گردد که دولت ترامپ برنامه‌های کمک خارجی خود را کاهش داده و گفته بود اولویت اصلی او، هزینه‌کرد بودجه مالیات‌دهندگان برای مسائل داخلی آمریکا است، به دنبال فشارهای مکرر آمریکا، دولت لبنان پنجم آگوست از ارتش این کشور خواست تا پایان سال میلادی جاری (دی‌ماه ۱۴۰۴) برنامه‌های عادی‌سازی روابط با اسرائیل، با رسمی‌«ارائه کند. این در حالی است که حزب‌الله لبنان تأکید دارد از سلاح خود دست نخواهد کشید. شیخ نعیم قاسم، دبیر کل این گروه در سخنرانی اخیر خود اظهار کرد: سلاح مقاومت در جریان جنگ ۶۴روزه مانع تحقق اهداف اسرائیل شد و مقاومت از سلاح خود دست نخواهد کشید. ■■■

دستگیری جاسوس موساد در ترکیه

سازمان اطلاعات ترکیه (میت) بمباد دیروز (جمعه) یک فرد مرتبط با سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) را دستگیر کرد. منابع امنیتی ترکیه اعلام کردند موساد میت در قالب عملیاتی با نام «هیترون» توانستند «سرکان چیچک» را در استانبول دستگیر کنند. بر اساس گزارش خبرگزاری «آناتولی»، تحقیقات نشان داده این فرد برای موساد فعالیت کرده و فارسی به نام «فیصل رشیدی» از مسؤولان مرکز عملیات آنالین موساد در ارتباط بوده است. بر اساس اطلاعات به دست آمده، چیچک پذیرفته بود فعالیت‌های جاسوسی به نفع موساد انجام دهد. هدف اصلی این فعالیت‌ها، جمع‌آوری اطلاعات درباره یک فعال فلسطینی مخالف سیاست‌های امنیتی اسرائیل در خاورمیانه عنوان شده است. مقام‌های امنیتی ترکیه تأکید کرده‌اند تحقیقات درباره ابعاد مختلف پرونده ادامه دارد. ■■■

هلاکت یکی از سرکردگان ترور یست‌ها در حمله هوایی به ادلب

منابع رسانه‌ای اعلامی شدند یکی از فرماندهان برجسته گروهک سلفی موسوم به «انصارالاسلام» دیروز (جمعه) در پی حمله هوایی پهپاد وابسته به ائتلاف بین‌المللی در حومه ادلب واقع در شمال غرب سوریه به هلاکت‌رسید. در پی حمله پهپادولسته‌به‌ائتلاف‌بین‌المللی‌به‌خوردوبی‌درمسیراتباطلی میان شهرک حارم و بارشایا واقع در نزدیکی مرزهای سوریه و ترکیه، این سرکرده مطرح ملقب به «الوالدرا» به همراه ۴ تن از دیگر همراهانش به‌هلاکت‌رسید.به‌گفته‌منابع‌میدلی‌اکثر عناصر این‌گروهک‌سال‌هست‌شمال‌سوریه‌را به‌عنوان‌پناگاه خود انتخاب کردند و از وضعیت ناامی امنیتی در منطقه سواستفاده می‌کنند. به نوشته ونگا صدی البلد، گروهک موسوم به انصارالاسلام یکی از مهم‌ترین گروه‌های تندرویی است که‌از‌اندای‌هزاره‌جدیددر شمال عراق ظاهر شد وبعدها در نتیجه‌وقوع‌جنگ در سال ۲۰۱۱ به‌سوریه‌گسترش‌یافت. برخی کارشناسان معتقدند هلاکت‌الوالدرا ضربه‌ جدیدی به این گروهک‌است که بسیاری از رهبران خود را طی سال‌های گذشته در نتیجه حملات هوایی ائتلاف بین‌المللی از دست داده است. احتمال می‌رود این عملیات، توانایی انصارالاسلام را برای بازآرایی صفوف خود در ادلب‌بویژه در سایه‌فشارهای امنیتی سایر گروه‌های مسلط بر منطقه‌تضعیف‌کنند. در مقابل، تداوم‌فعالیت این گروهک‌تندرو در شمال سوریه‌نگرانی‌های جامعه‌بین‌الملل را نسبت به تبدیل ادلب به کلونی باز برای گسترش گروهک‌های تروریست‌برمی‌انگیزد.



حمله اسرائیل به دوحه این پویایی‌ها را برجسته کرد. قطر میانجی بین اسرائیل و حماس، همچنین متحد نزدیک آمریکاست که میزان بزرگ‌ترین پایگاه ایالات متحده در منطقه است. این حمله نه‌تنها قطر، بلکه اعتبار و پرستیژ آمریکا را نیز تضعیف کرد. از این حمله حاکمان خلیج‌فارس درس گرفتند که اسرائیل غیرقابل پیش‌بینی و تهاجمی و تضمین‌های امنیتی آمریکا غیرقابل اعتماد است. در نتیجه آنها به دنبال روابط متنوع با سایر قدرت‌ها و گسترش سرمایه‌گذاری در صنایع دفاعی داخلی خواهند بود.

این تحولات صف‌بندی‌های جدیدی ایجاد خواهد کرد که می‌تواند منطقه را تغییر شکل دهد. ترکیه و عربستان سعودی، ۲ قدرت مهم منطقه، احتمالاً همکاری نزدیک‌تری خواهند داشت. اگر چه آنها قبلاً در بسیاری از نقاط داغ منطقه مشترک را در مجتمع چندجنبه برای پایان دادن به جنگ در این حمله‌لیبی رقیب بودند اما اکنون نگرانی‌های مشترکی درباره بی‌ثباتی منطقه و نقش مخرب اسرائیل دارند. آنها می‌توانند با هم برای ایجاد ثبات در سوریه همکاری کنند و تلاش‌های مشترک را در مجتمع چندجنبه برای پایان دادن به جنگ در غزه و مهار تجاوز اسرائیل هماهنگ کنند. در این راستا «هاکان فیدان» وزیر خارجه ترکیه خواستار ایجاد یک پلتفرم امنیتی مشترک با کشورهای منطقه، بویژه مصر و عربستان سعودی شده است. اردوغان و محمد بن سلمان، هر دو باید هزینه‌های سیاسی داخلی ناشی از جنگ غزه را مدیریت کنند. اردوغان با خشم عمومی فرآیندهای به دلیل ادامه تجارت با اسرائیل و فشار از سوی حوزه‌های انتخاباتیه اسلام‌گرا و محافظه‌کار برای اتخاذ موضعی سختگیرانه‌تر مواجه است. بن سلمان هم به دلیل در نظر گرفتن عادی‌سازی روابط با اسرائیل، با انتقادهایی در داخل پادشاهی عربستان و جهان عرب روبه‌رو است. همچنین هر دو باید با چشم‌انداز: درگیری بیشتر بین اسرائیل و ایران مقابله کنند.

عربستان سعودی و ترکیه باید با احتیاط گام بردارند. برای عربستان سعودی، این به معنای ادامه تنش‌زایی محتاطانه با ایران است که با میانجیگری چین در سال ۲۰۲۳ آغاز شد و خطرات تشدید تنش در یمن و خلیج‌فارس را کاهش می‌دهد. برای ترکیه، این به معنای ایجاد تعادل بین همکاری و رقابت در عراق، سوریه و قفقاز جنوبی است. هم عربستان سعودی و هم ترکیه به دنبال اطمینان از این هستند که بتوانند بدون اینکه ایران احساس کند در تنگنا قرار گرفته‌است، با آن مقابله کنند، زیرا یک ایران در تنگنا قرار گرفته می‌تواند تاکتیک‌های ائتلاف را دوجنبه به بحران‌های جدیدی ایجاد کند. ایالات متحده اگر می‌خواهد یک نظم منطقه‌ای کارآمد و معتبر را تقویت کند، نمی‌تواند از مخصصه فلسطینی‌ها چشم‌پوشی کند و تجدیدنظرطلبی اسرائیل را نادیده بگیرد. برای ایالات متحده، این پویایی‌ها مستلزم ارزیابی مجدد استراتژی از جمله حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل، نفوذ آمریکا را تضعیف و این برداشت را تقویت می‌کند که واشنگتن منطقه را صرفاً در چرخه منافع اسرائیل می‌بیند. نخبانگ منطقه در حال حاضر به حضور چین، اروپا، روسیه و سایر قدرت‌ها خود را از این وضعیت دور نگه می‌دارند. این روند تا زمانی که ایالات متحده با بی‌خیالی از اسرائیل حمایت کند و تأثیر آسیب‌های جانبی ناشی از آن را نسبت به روابط خود با سایر کشورهای منطقه نادیده بگیرد، سرعت خواهد گرفت. بدون اصلاح مسیر، ایالات متحده آمریکا در منطقه‌ای که کمتر با چالش‌های این و بیشتر با نقش تجدیدنظرطلبانه و مخرب اسرائیل تعریف می‌شود، عقب خواهد ماند. اگر واشنگتن نتواند خود را وفق دهد، در نهایت در تخریب همان معماری استراتژیکی که سال‌ها به دنبال ساختن آن در خاورمیانه بود، همدست خواهد شد.

آمریکا با وزن قابل توجه خود، بدون شک برای آینده قابل پیش‌بینی، یک بازیگر مهم در منطقه باقی خواهد ماند اما برای حفظ اعتبار و نفوذ خود، باید رویکرد خود را با پرداختن مستقیم به نگرانی‌های مصر، کشورهای خلیج‌فارس و ترکیه و تلاش برای ایجاد چارچوب‌های امنیتی مشارکتی که اولویت آنها کاهش تنش، پیشگیری از درگیری و ادغام اقتصادی است، مجدداً تنظیم کند. این مهم تغییری فاحش از رویکرد اخیر آن جهت تشویق نظامی‌سازی منطقه و سیاست‌های بلوکی خواهد بود. واشنگتن باید سیاست خود را بیش از پیش در حمایت از یک راه‌حل عادلانه برای مساله فلسطین تثبیت کند. پایان دادن به کارزار ویرانگر اسرائیل در غزه، جلوگیری از خالی شدن این سرزمین از سکنه، متوقف کردن جلقی مصنوعی در آنجا و توقف الحاق کرانه باختری به اسرائیل باید نقطه شروع باشد. ایالات متحده اگر می‌خواهد یک نظم منطقه‌ای کارآمد و معتبر را تقویت کند، نمی‌تواند از مخصصه فلسطینی‌ها چشم‌پوشی کند و تجدیدنظرطلبی اسرائیل را نادیده بگیرد.»

اما با آن به عنوان یک رقیب امنیتی مستقیم رفتار نمی‌کرد. اسرائیل نیز آشکارا به دنبال خصومت با ترکیه در مسائل ژئوپلیتیک و امنیتی نبود. در جریان بن‌یست سال ۲۰۲۰ مصر و بسیاری از کشورهای اروپایی، موضع بسیار نرم‌تری در قبال ترکیه اتخاذ کرد. در جنگ ۲۰۲۳ بین آذربایجان و ارمنستان، هم اسرائیل و هم ترکیه از آذربایجان حمایت کردند و تجهیزات نظامی آن را تأمین کردند. اسحاق هر تزوگ، رئیس اسرائیل در سال ۲۰۲۲ سفری رسمی به آنکارا داشت و تنها ۲ هفته قبل از ۷ اکتبر، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه و نتانیاهو در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک دیدار و همکاری‌های بالقوه انرژی در شرق مدیترانه را بررسی کردند.

اکنون جنگ غزه، ۲ طرف را از هم دور تر کرده است. ترکیه به عنوان مجازاتی برای عملیات در غزه، تجارت با اسرائیل را به حالت تعلیق درآورده و حریم هوایی خود را به روی اسرائیل بسته است. اقدامات اسرائیل در سوریه نیز ترکیه را عمیقاً نگران کرده است، زیرا طولانی‌ترین مرز زمینی ترکیه با سوریه است و میلیون‌ها پناهنده از زمان شروع جنگ داخلی سوریه بیش از یک دهه پیش وارد ترکیه شدند. آنکارا خواهان یک همسایه باثبات و دمشق متمرکز است. در مقابل، اسرائیل از گروه‌های اقلیت در جنوب سوریه حمایت و در خاک سوریه پیشروی و دولت جدید این کشور را تضعیف کرده و تفرقه بی‌ثباتی را ترویج می‌دهد. با تبدیل سوریه به یک منطقه کلیدی رقابت ژئوپلیتیک، ترکیه اکنون اسرائیل را به عنوان تهدیدی بزرگ می‌بیند.

تجدیدنظرطلبی و تجاوز اسرائیل، نظامی‌سازی و تنوع‌بخشی به استراتژی‌های دفاعی در سراسر منطقه خاورمیانه را تسریع می‌کند.

باید گفت تجدیدنظرطلبی و تجاوز اسرائیل، نظامی‌سازی و تنوع‌بخشی به استراتژی‌های دفاعی در سراسر منطقه را تسریع می‌کند. کشورهای منطقه خاورمیانه از این ۲ سال درگیری درس‌هایی می‌گیرند، از جمله عملکرد ضعیف تسلیحات روسی در درگیری بین ایران و اسرائیل و محدودیت‌های سیاسی و امنیتی‌ای که با اتکا به سیستم‌های تسلیحاتی آمریکایی همراه است. دولت‌ها با سرمایه‌گذاری در قابلیت‌های بومی و تنوع‌بخشی به تأمین‌کنندگان خود، از این خطرات جلوگیری می‌کنند. عربستان سعودی همکاری خود را با چین در زمینه موشک‌ها و پهپادها گسترش داده، به دنبال هوایی‌سازی بیشتر تولید دفاعی است و اخیراً یک پیمان همکاری دفاعی با پاکستان امضا کرده که نشان دهنده تمایل آن برای مشارکت‌های امنیتی جایگزین و قصد ایجاد روابط با یک قدرت مسلمان دیگر خارج از معماری امنیتی به رهبری ایالات متحده آمریکاست. امارات متحده‌ای جنگنده فرانسوی خریداری و با کره‌جنوبی در زمینه دفاع موشکی و انرژی هسته‌ای همکاری و ظرفیت‌های تکنولوژیک خود را تقویت کرده و در عین حال وابستگی خود را به ایالات متحده کاهش داده است. قطر و کویت یوروفایتر تایفون را از بریتانیا و ایتالیا خریداری کرده‌اند و کویت و قطر بیشتر در شبکه‌های امنیتی اروپا جا داده‌اند. کشورهای خلیج‌فارس همگی در حال خرید پهپادها و مافون به‌صرفه ترکیه هستند. ترکیه نیز ماه آگوست از سامانه دفاع هوایی یکپارچه «گنبد فولادی» خود رونمایی کرد که با سامانه دفاع ضدموشکی گنبد آهنین اسرائیل قابل مقایسه است.

این شبکه روبه گسترش مشارکت‌ها، فضای کمتری را برای اسرائیل باقی می‌گذارد. ابتکارات منطقه‌ای مانند توافقنامه‌های آبراهام، کریدور اقتصادی هند – خاورمیانه-اروپا (یک پروژه تجاری و ارتباطی تحت حمایت ایالات متحده آمریکا که هند، خاورمیانه و اروپا را به هم متصل می‌کند)، اجلاس نگو (یک مجمع امنیتی منطقه‌ای که اسرائیل را با شرکای عربی و غربی گرد هم آورد) و I2U2 که هند، اسرائیل، امارات و آمریکا را برای همکاری‌های فناوری و اقتصادی گرد هم می‌آورد، برای ایجاد نظم جدیدی که ریشه در همکاری اعراب و اسرائیل تحت نظارت آمریکا دارد، طراحی شده بودند. هدف، پیوند دادن کشورهای عرب با اسرائیل، حذف ترکیه و مهار ایران بود. مقامات آمریکایی و اسرائیلی تصور می‌کردند عادی‌سازی روابط و پذیرش بیشتر اسرائیل در منطقه احتیاج‌ناپذیر است. باید گفت این چشم‌انداز اکنون در حال فروپاشی است. سیاست‌های اسرائیل این موضوع را به یک خطر داخلی و استراتژیک برای رهبران عرب و دولت‌های‌شان تبدیل کرده است.

حاکمان خلیج‌فارس اکنون می‌دانند اسرائیل غیرقابل پیش‌بینی و تهاجمی بوده و تضمین‌های امنیتی آمریکا غیرقابل اعتماد است.

ترکیه را رقیب اصلی خود در شرق مدیترانه می‌دانست، روابط بین ۲ کشور سال ۲۰۱۳ پس از سرنگونی «محمد مرسی» نخستین رئیس‌جمهور اسلام‌گرای منتخب دموکراتیک مصر، شدت کاهش یافت. ترکیه بشدت از وی حمایت کرد و با کودتایی که «عبدالفتاح سیسی» رئیس‌جمهور مصر را به قدرت رساند، مخالفت کرد. در نتیجه مصر تحت ریاست سیسی قراردادهای دوجانبه با اسرائیل منعقد و با اسرائیل در چارچوب مجمع گاز شرق مدیترانه همکاری کرد. فراتر از همکاری در زمینه انرژی، مصر هماهنگی امنیتی خود را با اسرائیل در صحرای سینا تعمیق بخشیده و به اسرائیل اجازه داده است علیه گروه‌های شبه‌نظامی در این منطقه فعالیت کرده و به مدیریت مرز غزه بپردازد.

این معادلات پس از حملات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تغییر کرد؛ تجاوزات اسرائیل، قاهره را مجبور به اتخاذ موضع متفاوتی کرده است. ماه سپتامبر، سیسی اسرائیل را دشمن نامید که یک تغییر لفظ قابل توجه توسط دولتمردان مصری بود. وی همچنین گام نمادینی در کاهش همکاری امنیتی با اسرائیل برداشت. مصر و رقیب سابقش ترکیه، رزمایش دریایی مشترکی در شرق مدیترانه انجام دادند که هدف آن تعمیق همکاری دفاعی آنها بود.

قبل از جنگ فعلی، برخی کشورهای خلیج‌فارس به طور آزمایشی با اسرائیل همسو شدند، زیرا ایران را تهدید اصلی امنیت خود می‌دانستند. ظهور اسلام سیاسی و قیام‌های عربی ۲۰۱۱ این همسویی را تقویت کرد؛ زیرا حاکمان خلیج‌فارس و اسرائیل به طور یکسان از این موضوع می‌ترسیدند که این جنبش‌ها بتوانند رژیم‌ها را سرنگون کنند. منطقه را تغییر شکل دهند و نقش منطقه‌ای اسرائیل را محدود کنند. توافقنامه‌های آبراهام – توافقنامه‌های عادی‌سازی روابط که سال ۲۰۲۰ با کمک ایالات متحده بین اسرائیل و تعداد انگشت‌شماری از کشورهای عرب مورد مذاکره قرار گرفت – از دل این بستر بیرون آمد و هدف اصلی آن مهار ایران و مصون نگه داشتن رژیم‌های عرب از هر گونه تحول داخلی و منطقه‌ای احتمالی بود.

اقدامات اسرائیل چنان خشمی را در سراسر جهان عرب برانگیخته‌است که هرگونه همسویی آشکار با اسرائیل به تهدید مستقیم مشروعیت و امنیت این کشورها تبدیل شده است. با این حال امروز منطق عادی‌سازی در حال فروپاشی است. دکترین جدید دفاع رو به جلوی اسرائیل که نقض حاکمیت سایر کشورها را به دلخواه خود در پی دارد، باعث شده است همه کشورهای منطقه احساس ناامنی کنند. جنگ ویرانگر غزه، گسترش شهرک‌های اسرائیلی در کرانه باختری، رویکرد سازش‌ناپذیر اسرائیل در لبنان و حملات مکرر آن به سوریه و تجاوز به خاک سوریه، حفظ روابط رسمی با اسرائیل را به یک مسؤولیت سیاسی و استراتژیک برای دولت‌های عرب تبدیل کرده است. در واقع، اقدامات اسرائیل چنان خشمی را در سراسر جهان عرب برانگیخته که هرگونه همسویی آشکار با اسرائیل به تهدیدی مستقیم برای مشروعیت و امنیت این کشورها تبدیل شده است. بر اساس تحلیل نظرسنجی‌های اخیر توسط گروه تحقیقاتی «پارومتر عرب»، حمایت عمومی از عادی‌سازی روابط با اسرائیل در سراسر منطقه همچنان بسیار پایین است به طوری که هیچ کشوری از ۱۳ در صد حمایت فراتر نرفته و مراکش پس از حملات ۷ اکتبر، از ۳۱ درصد در سال ۲۰۲۲ به تنها ۱۳ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش یافته است.

عربستان سعودی که زمانی تحت فشار شدید آمریکا برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل بود، اکنون نه‌تنها به دلیل خطرات داخلی، بلکه به دلیل تردید درباره قابل اعتماد بودن اسرائیل به عنوان یک شریک استراتژیک، با توجه به طیف وسیعی از اقدامات تهاجمی اسرائیل در سال‌های اخیر در این زمینه مردد است. امارات عربی متحده که زمانی نزدیک‌ترین متحد اسرائیل در خلیج‌فارس بود، مخالفت خود را با تهاجمات اسرائیل به طور علنی بیان کرده است. پس از حمله اسرائیل به مذاکره‌کنندگان حماس در دوحه، قطر خود را به عنوان منتقد اصلی جهان عرب از سیاست‌های اسرائیل در غزه معرفی کرده است. کویت و عمان همچنان از هر گونه ارتباط با اسرائیل که می‌تواند مشروعیت داخلی دولت‌های آنها را تضعیف کند، مردم آنها را به مخالفت با انگیزد؛ با استراتژی‌های دقیق تعادل منطقه‌ای آنها را پیچیده کند، کناره‌گیری کرده و محتاط هستند. اسرائیل که زمانی توسط برخی سیاست‌گذاران خلیج‌فارس و ایالات متحده آمریکا به عنوان ستون بالقوه امنیت خلیج‌فارس تصور می‌شد، اکنون به عنوان یک مهاجم و تهدیدی بی‌ثبات‌کننده دیده می‌شود.

تغییر موضع ترکیه نیز به همان اندازه قابل توجه است. آنکارا سال‌ها رفتار اسرائیل با فلسطینی‌ها را محکوم می‌کرد

رفتار تهاجمی اسرائیل بدون مجازات، موج جدیدی از رادیکالیسم را دامن خواهد زد که منافع ایالات متحده، ثبات منطقه‌ای و امنیت جهانی را تهدید خواهد کرد.

بعد از حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به اسرائیل، منطقه غرب آسیا جولانگاه نیروها و هواپیماهای نظامی اسرائیلی بوده و ناامنی و بی‌ثباتی در این منطقه بحرانی جهان تشدید شده است به طوری که اکنون هیچ کشوری در منطقه از گزند حمله اسرائیل در امان نیست.

در این ارتباط «گالیپ دالای» پژوهشگر ارشد در چتم هاوس و کارشناس مسائل خاورمیانه در مقاله‌ای که در سایت تحلیلی فارن افرز منتشر شد، نوشت: «کشورهای خاورمیانه به طور فزاینده‌ای اسرائیل را به عنوان تهدید مشترک جدید خود می‌بینند. جنگ اسرائیل در غزه، سیاست‌های نظامی توسعه‌طلبانه آن و موضع تجدیدنظرطلبانه‌اش، منطقه را به گونه‌ای تغییر داده که کمتر کسی پیش‌بینی می‌کرد. حمله ماه سپتامبر آن به رهبران سیاسی حماس در قطر – هفتمین کشوری که از حملات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ علاوه بر سسرزمین فلسطین مورد حمله اسرائیل قرار گرفته است – کشورهای خلیج‌فارس را متزلزل کرده و اعتبار چتر امنیتی ایالات متحده را زیر سوال برده است. در ۲ سال گذشته، رهبران اسرائیل از تضعیف رهبری حزب‌الله در لبنان، حملات مکرر خود به اهدافی در یمن و حمله به ایران استقبال کرده‌اند اما این اقدامات به جای تثبیت قدرت اسرائیل یا بهبود روابط با کشورهای عرب که مدت‌ها نسبت به ایران و نیروهای نیابتی آن محتاط بوده‌اند، نتیجه معکوس داده است. کشورهایی که زمانی اسرائیل را به عنوان یک شریک بالقوه می‌دانستند، اکنون به آن به عنوان یک بازیگر خطرناک و غیر قابل پیش‌بینی نگاه می‌کنند.

این هفته دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل از جزئیات «طرح صلح جدید» خبر دادند و این چارچوب را به عنوان پیشرفت بزرگ و راهی برای بازگشت ثبات به منطقه دانستند اما تا زمانی که اسرائیل به رفتار تهاجمی خود ادامه دهد و خواسته‌ها و نگرانی‌های مشروع فلسطینیان را نادیده بگیرد، چشم‌انداز این طرح تیره و تار است. اگرچه بسیاری از رهبران منطقه از این اعلامیه استقبال کرده‌اند اما بعید به نظر می‌رسد این طرح بتواند خسارات ۲ سال جنگ را جبران کند. پیش از حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳، اسرائیل با حمایت قوی آمریکا امیدوار بود منطقه را به نفع خود بازسازی و خود را به عنوان شریکی برای دولت‌های عرب معرفی کند و در عین حال رقبای بویژه ایران را کنار بگذارد اما اکنون اسرائیل فقط خود را منزوی کرده، کشورهای عرب را نسبت به تحمل هزینه‌های اعتباری و سیاسی همکاری با آن بی‌میل کرده و شرکای سابق را به دشمنانی محتاط تبدیل کرده است.

از سویی، شیخ یک اسرائیل خشمگین، کشورهای خاورمیانه را از ایالات متحده آمریکا دور می‌کند.

بسیاری از کشورهای منطقه با متنوع‌سازی مشارکت‌های امنیتی خود، سرمایه‌گذاری در استقلال خود و دور شدن از عادی‌سازی روابط با اسرائیل، به تجاوز اسرائیل پاسخ می‌دهند. انبوهی از پروژه‌هایی که به دنبال نزدیک‌تر کردن اسرائیل به کشورهای عرب بودند، احتمالاً به حاشیه رانده خواهند شد. این مهم خبر بدی نه‌تنها برای اسرائیل، بلکه برای آمریکا نیز هست. حمایت بی‌دریغ آمریکا از اسرائیل، جایگاه واشنگتن در منطقه را تضعیف می‌کند. در حالی که زمانی تهدید ایران می‌توانست کشورهای منطقه را به نزدیکی به خط آمریکا تشویق کند، اکنون شیخ یک اسرائیل خشمگین آنها را از ایالات متحده دور می‌کند.

آمریکا باید نسبت به تغییرات در حال وقوع در خاورمیانه بیدار باشد. چارچوب پیشنهادی اخیر به خودی خود، روابط با هم گسیخته بین اسرائیل و منطقه وسیع‌تر را نرم‌یم نخواهد کرد. اگر واشنگتن از مهار اسرائیل امتناع ورزد و به دنبال یک پاسخ سیاسی عادلانه برای مساله فلسطین نباشد، خطر تضعیف روابط با شرکای کلیدی منطقه‌ای و از دست دادن نفوذ بر نظم منطقه‌ای در حال ظهور را به همراه خواهد داشت. عدم رسیدگی به مساله فلسطین و اجازه دادن به اسرائیل برای رفتار تهاجمی و بدون مجازات، موج جدیدی از رادیکالیسم را دامن خواهد زد که منافع ایالات متحده، ثبات منطقه و امنیت جهانی را تهدید خواهد کرد.

بیش از ۲ دهه، اسرائیل توانسته بود با تعدادی از کشورهای عرب اهداف مشترکی داشته باشد. مصر نخستین کشور عربی بود که در نتیجه توافق کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸ روابط خود را با اسرائیل عادی کرد. صلح بین ۲ طرف بیش از ۴ دهه است برقرار است، اگرچه از ارتباطات و تبادلات قابل توجه در سطح عمیق تر اجتماعی محقق نشده است. تا همین اواخر، مصر